

## رابطه سبک‌های هویت با حضور و جستجوی معنای زندگی

### The relationship between identity styles and presence and searching for meaning of life

A. Rahiminezhad, Ph.D.

دکتر عباس رحیمی نژاد\*

M. Zalizadeh

محسن زالی زاده\*\*

A. Alipour, Ph.D.

دکتر احمد علیپور\*\*\*

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های هویت با حضور و جستجوی معنای زندگی بود. این پژوهش مطالعه‌ای توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند. از میان دانشجویان دانشگاه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی مرحله‌ای خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۲۶۱ نفر (۱۳۶ زن، ۱۲۵ مرد) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ترجمه فارسی پرسشنامه‌های سبک هویت (ISI-4)، فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷)، و پرسشنامه حضور و جستجوی معنای زندگی (MLQ) استگر، فرایزر، کالر و اویشی

---

\*. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل)

\*\* کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران

\*\*\* استاد دانشگاه پیام نور

(۲۰۰۶) استفاده شد. داده‌ها به کمک روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند: الف- سبک اطلاعاتی با حضور و جستجوی معنا رابطه مثبت معنادار داشت. ب- سبک سردرگم با حضور و جستجوی معنا رابطه منفی معناداری داشت. نتایج نشان دادند که سبک‌های هویت اطلاعاتی ۲۱ درصد و سبک سردرگم/اجتنابی ۲ درصد واریانس حضور معنای زندگی را پیش‌بینی کنندگان کردند.

**واژه-کلیدها:** سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم/اجتنابی، حضور معنا،

جستجوی معنا.

## Abstract

This research aimed to investigate the relationship between identity styles and the presence and searching for meaning of life. The method was descriptive and correlation. The population was undergraduate students studying in Shahid Chamran university of Ahvaz. The subjects were selected in a multistage method randomly in cluster from. The number of selected sample was 261 (136 women, 125 men). In this research Farsi translation of identity style inventory (ISI-4) of Phillips and Pittman (2007) and meaning of life questionnaire (MLQ) of Steger, Frazier, Kaler & Oishi (2006) were used. The statistical method was correlation and stepwise regression analysis. Findings showed: A- the informational style predicted positively the search for the meaning of life positively and significantly. B- The diffused/avoidant style of identity had negative correlation with the presence and searching of meaning of life. Regression analysis showed that light and confused information and search for the meaning of these two variables have predicted. The results showed that among identity styles, informational style predicted 21% of variance and next the diffused/avoidant style predicted 2% variance of meaning of life.

**Keyword:** information style, normative style, diffuse avoidant style, presence of meaning, search for meaning.

**Contact information:** arahimi@ut.ac.ir

## مقدمه

به لحاظ تاریخی معنای زندگی<sup>۱</sup> از بحث برانگیزترین مفاهیم در حوزه فلسفه و روانشناسی بوده است (یالوم، ۱۹۸۰). به طوری که در طول تاریخ اندیشمندان و متفکرین زیادی بنا به رویکرد خود سعی نظریه‌پردازی در مورد آن داشته‌اند. موضوع معنای زندگی از دو قرن قبل از میلاد مسیح (ع) از فلاسفه رواقی و افلاطون گرفته تا فلسفه‌های دینی و عرفانی بودیسم و گیتا مطرح بوده است (شرفی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر در فرهنگ اسلامی نیز در قرآن کریم بیهوده نبودن زندگی (مؤمنون، ۱۱۵) و هدفمندی خلقت و بازگشت انسان به سوی خدا (بقره، ۱۵۶) اشاره شده است. تلاش روان‌شناسان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در علمی ساختن روانشناسی و جدا کردن آن از فلسفه باعث شد تا با حاکمیت نگاه تجربه‌گرایی چندان مجال برای موضوعاتی مانند معنای زندگی و هدف زندگی مطرح نشود. اما تجربه زیسته فرانکل به‌عنوان یک روان‌پزشک و اسیر جنگی به جایگاه ارزشمند معنا در سلامت انسان و در نهایت تدوین روش معنادرمانی منجر شد. توجه به معنای زندگی ضرورت توجه به فلسفه‌های جدید به ویژه فلسفه وجودی را دوباره به صحنه روانشناسی آورد. نوشته‌های فرانکل به زبان آلمانی ابتدا در سال ۱۹۴۶ و سپس چاپ اول کتاب در جستجوی معنا در سال ۱۹۵۹ میلادی به زبان انگلیسی و تجدید چاپ آن تا چاپ پنجم (فرانکل ۱۹۹۲) ادامه یافت.

تعریف فرانکل (۱۹۹۲) از معنا، نوعی مواجهه با واقعیت‌های زندگی است، به طوری که نحوه تعبیر و تفسیری که فرد از آنچه در مقابلش قرار گرفته، معناداری زندگی او را مشخص می‌کند. پس از مطرح شدن مفهوم معنای زندگی توسط فرانکل، موضوع "معنای زندگی" توسط روانشناسان مختلف مورد مطالعه دقیق‌تر و ارائه تعریف عملیاتی قرار گرفت. یانگ، روچ و هاگدرون (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تعریف معنای زندگی و ابزارهای سنجش مختلف هریک از روان‌شناسان را به شرح زیر مورد اشاره قرار داده است: توجه مثبت به زندگی توسط باتیستا و آلموند در سال ۱۹۷۳؛ منابع و قدرت معنای شخصی در زندگی توسط رکر، ونگ، در سال ۱۹۸۸؛ معنای زندگی بر اساس معنویت توسط پارگامنت در سال ۱۹۹۹ مطرح شده است.

ضمناً در دهه‌های اخیر با رشد فلسفه تحلیلی و عنایت این نحله به ایضاح مفاهیم و واژگان تلاش‌های زیادی هم در عرصه روانشناسی برای توصیف دقیق برخی مفاهیم صورت گرفته است (بیات، ۱۳۹۰). برای نمونه، یالوم (۱۹۸۰) به عنوان یک روانشناس وجودی معنا را ناظر به انسجام زندگی، و هدف را ناظر به غایت و کارکرد زندگی در نظر می‌گیرد. در این راستا، استگر و همکاران (۲۰۰۶) در جهت عملیاتی کردن مفهوم معنای زندگی در یک نگاه کلی، جایگاه افراد را در دو مؤلفه حضور معنا و جستجو برای یافتن معنا مورد سنجش قرار دادند. مؤلفه اول شامل حضور معناست<sup>۱</sup>، که ناظر به فهم و ادراک انسان‌ها از داشتن معنای زندگی‌شان و جهان می‌باشد و مؤلفه دوم شامل جستجوی معناست که اشاره به گرایش قوی و شدید و تلاشی است که انسان‌ها برای دریافت معنا، مقصود و هدف زندگی‌شان دارند.

اریکسون (۱۹۶۸) به عنوان پیشگام مطالعه در حوزه هویت، توجه به تعیین جایگاه فرد در جامعه، ترسیم خطوط تحول شخصیت بر حسب انتخاب شغل، مذهب و موضع‌گیری سیاسی افراد را در هویت‌یابی فرد مطرح کرد. در طول سه دهه گذشته اکثر محققین مفهوم‌سازی‌های خود درباره شکل‌گیری هویت را در قالب مدل وضعیت‌های هویتی مارشیا (۱۹۶۶) ارائه داده‌اند. برزونسکی (۱۹۹۰) با نگاهی فرایندی به موضوع هویت، سه سبک هویتی<sup>۲</sup> را مطرح کرد که شامل، سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی می‌باشند (برزونسکی، ۲۰۰۳). سبک‌ها، اشاره به شباهت‌ها و تفاوت‌های افراد در شکل‌دهی فرآیند هویت دارد. برزونسکی (۲۰۰۸) در توضیح ویژگی‌های سبک‌ها معتقد است: در سبک اطلاعاتی افراد به‌طور فعال به ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و روش مقابله مسئله‌مدار و متمرکز بر حل مسئله دارند. در سبک هنجاری افراد نسبت به موضوعات مهم و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نواپی با انتظارات و دستورهای افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. در سبک سردرگم/اجتنابی، افراد در تصمیم‌گیری بسیار اهل تعلل و درنگ هستند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از موضوعات مربوط به هویت و تصمیم‌گیری دارند. در موقعیت‌های تصمیم‌گیری ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب

نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل‌تراشی استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۰۳).

با توجه به آنچه پیرامون معنای زندگی و سبک‌های هویت بیان شد، پیشینه رابطه میان سبک‌های هویت و معنای زندگی در قسمت بعدی مرور شده است. مک دونالد (۲۰۰۹) به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان حوزه معنویت در مدل نظری خود، از هویت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی مؤثر در معنای زندگی یاد می‌کند. بیومن (۲۰۰۹) در پژوهشی که جهت بررسی رابطه سبک‌های هویت، معنای زندگی و تعالی انجام داد نتایج نشان داد که رابطه سبک اطلاعاتی با حضور معنای زندگی مثبت، سبک هنجاری با حضور و جستجوی معنای زندگی نیز رابطه مثبت و سبک سردرگم با حضور رابطه منفی و با جستجوی معنای زندگی رابطه مثبت داشت. در پژوهش دیگر بیومن و اسکامل (۲۰۱۲) در همین زمینه مشخص شد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با حضور معنا رابطه مثبتی داشته، و سبک سردرگم/اجتنابی با حضور معنا رابطه منفی، و با جستجو برای معنا رابطه مثبتی داشت. در داخل کشور نیز پیرامون این متغیرها مطالعاتی صورت گرفته است. برای نمونه، بهادری خرمشاهی و علیلو (۱۳۹۱) رابطه سبک‌های هویت با معنای زندگی را بررسی کردند که نتایج نشان داد سبک اطلاعاتی و هنجاری با معنای زندگی رابطه مثبت و سبک سردرگم/اجتنابی با معنا رابطه منفی دارد. صالحی حیدرآباد (۱۳۸۹) نیز پژوهشی در زمینه رابطه منزلت‌های هویت با معنای زندگی انجام داد که نتایج نشان داد که هویت بحران‌زده، دنباله‌رو با معنای زندگی رابطه منفی و با هویت‌یافتگی رابطه مثبت داشت.

در مجموع، در مطالعات انجام شده از مفهوم جستجوی معنای زندگی که توسط استگر، فرایزر، کالر و اویشی (۲۰۰۶) مطرح شده است به جز پژوهش بیومن و اسکامل (۲۰۱۲)، رابطه این متغیر با هویت در کمتر پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین به دو دلیل انجام این پژوهش ضرورت دارد؛ یکی اندک بودن پژوهش‌ها در این زمینه (رابطه سبک‌های هویت و معنای زندگی)، دوم، پژوهش‌های صورت گرفته نیز معمولاً برای سنجش معنای زندگی اغلب از پرسشنامه هدف زندگی استفاده شده، علی‌رغم اینکه امروزه هدف و معنا

به‌عنوان دو متغیر متفاوت در نظر گرفته می‌شوند (گئورگ و پارک، ۲۰۱۳). همچنین برای سنجش معنای زندگی اغلب از پرسشنامه هدف زندگی (PIL) یا ارزش زندگی (LRI) استفاده کرده‌اند، که شامل جستجوی معنای زندگی نشده است. به‌همین دلیل، در این پژوهش از پرسشنامه حضور و جستجوی معنا (استگر و همکاران، ۲۰۰۶) برای سنجش معنای زندگی و به‌ویژه جستجوی معنا استفاده شده است. به نظر می‌رسد این ابزار جدید بتواند درک عمیق‌تری از مفهوم معنای زندگی به‌دست دهد. با این توصیف دو مسأله در این پژوهش مطرح می‌باشد. مسأله اول، پیش‌بینی حضور معنای زندگی بر اساس سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم است. مسأله دوم، پیش‌بینی جستجوی معنای زندگی بر اساس سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم است با توجه به آنچه اشاره رفت، نسبت به انجام این پژوهش اقدام شد.

## روش

**جامعه، نمونه و روش اجرای پژوهش:** جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ۹۲-۹۱ است، روش نمونه‌گیری مرحله‌ای خوشه‌ای است. بعد از تهیه لیستی از دانشکده‌های دانشگاه لیستی از تمام دانشکده‌های دانشگاه شهید چمران اهواز که ده دانشکده بود تهیه شد. در مرحله اول چهار دانشکده به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. که به سه دانشکده به‌صورت تصادفی اولویت دادیم و قرار شد اگر هر کدام از دانشکده‌ها همکاری نکردند دانشکده دیگر جایگزین شود. در مرحله دوم بعد رشته‌های هر دانشکده را مشخص و از هر دانشکده ۳ رشته به‌صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله سوم، به کلاس‌های مربوط به هر رشته مراجعه کرده و پرسشنامه‌ها را ارائه کردیم. در نهایت به تعداد ۳۰۶ نفر پرسشنامه جمع‌آوری شد که با توجه به مخدوش بودن تعدادی ۲۶۱ پرسشنامه به‌دست آمده و برای انجام تحلیل‌های آماری آماده شد. طرح پژوهش حاضر همبستگی و از نوع پیش‌بین است، که در آن از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است.

**ابزار پژوهش:** پرسشنامه نسخه چهارم سبک‌های هویت برزنسکی (ISI-4): این پرسشنامه

توسط فیلیپس و همکاران (۲۰۰۷)؛ به نقل از رحیمی‌نژاد، یزدانی ورزنده، امانی، فراهانی (۱۳۸۹) برای سنجش سبک‌های هویت و تعهد هویت ساخته شده است و دارای ۳۳ گویه است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً در مورد صدق می‌کند تا اصلاً در مورد صدق نمی‌کند نمره‌گذاری می‌شود. فیلیپس و همکاران (۲۰۰۷)؛ به نقل از رحیمی‌نژاد و همکاران، (۱۳۸۹) ضرایب پایایی این مقیاس به روش بازآزمایی را برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۵، ۰/۸۷ و از طریق روش آلفا برای عوامل مذکور در هشت نمونه از کشورهای امریکا، هلند و بلژیک از ۰/۶۴ تا ۰/۷۷، ۰/۶۵ تا ۰/۷۸، ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ و برای تعهد هویت از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ گزارش نموده‌اند. این پرسشنامه ابتدا توسط محققین ترجمه و سپس توسط متخصصان زبان انگلیسی ترجمه معکوس شد و نهایتاً پس از اصلاحات لازم نسخه فارسی نهایی تدوین و آماده اجرا شد. این پرسشنامه توسط رحیمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) ترجمه و هنجاریابی شده است. در بررسی پایایی این مقیاس نسبت به فرم ۳ می‌توان به افزایش ضریب آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس سبک اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی اشاره کرد. در مقایسه سبک هنجاری فرم ۴ با نمونه‌های مشابه در دیگر کشورها مشخص شد که مقدار ضریب آلفای نمونه ایرانی (۰/۶۱) نسبت به دیگر کشورها کمتر بود.

پرسشنامه معنای زندگی (MLQ): این پرسشنامه توسط استگر و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۰ سؤال و دو زیرمقیاس حضور معنای زندگی و جستجوی معنای زندگی است. توسط رحیمی‌نژاد (زیر چاپ) ترجمه و هنجاریابی شده است. آلفای کرونباخ برای حضور معنا ۰/۷۸ و برای جستجوی معنا ۰/۸۷ به دست آمده است. همچنین روایی سازه این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی حاکی از دو عامل حضور معنا و جستجوی معنا بود.

## داده‌ها و یافته‌ها

شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش در جدول شماره (۱) قابل مشاهده‌اند. شاخص‌های کجی و کشیدگی در جدول نشان می‌دهند که توزیع هیچ یک از متغیرها خارج از حالت نرمال نبود.

رابطه سبک‌های هویت با حضور و جستجوی معنای زندگی

### جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میاتگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
حضور معنا	۲۴/۵۹	۶/۲۹	۷	۳۵	-۰/۲۸	-۰/۵۴
جستجوی معنا	۲۶/۸۸	۶/۷۵	۴	۳۵	-۰/۸۶	۰/۳۵
سبک اطلاعاتی	۲۶/۵۵	۴/۸۷	۹	۳۵	-۰/۶۵	۰/۵۳
سبک هنجاری	۱۸/۹۳	۴/۰۱	۸	۳۰	-۰/۰۱	-۰/۲۹
سبک سردرگم/اجتنابی	۲۴/۷۲	۶/۷۸	۱۰	۴۲	-۰/۱۲	-۰/۴۷

تعداد نمونه = ۲۶۱

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌طور که در جدول شماره (۲) آمده است، حضور معنا با سبک اطلاعاتی ( $P < 0/01$ )،  $R = 0/40$  رابطه مثبت و با سبک سردرگم/اجتنابی ( $P < 0/01$ )،  $R = -0/27$  رابطه منفی داشت. حضور معنا با سبک هنجاری ( $P > 0/05$ )،  $R = -0/01$  و رابطه معناداری نداشت. جستجوی معنا نیز با سبک اطلاعاتی ( $P < 0/01$ )،  $R = 0/33$  رابطه مثبت و با سبک سردرگم/اجتنابی ( $P < 0/01$ )،  $R = -0/21$  رابطه منفی داشت. رابطه جستجوی معنا با سبک هنجاری ( $P > 0/05$ )،  $R = 0/03$  و به لحاظ آماری معنادار نبود. این یافته‌ها در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است.

### جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- حضور معنا					
۲- جستجوی معنا	0/57**				
۳- سبک اطلاعاتی	0/40**	0/33**			
۴- سبک هنجاری	-0/01	0/03	0/26**		
۵- سبک سردرگم/اجتنابی	-0/27**	-0/21**	-0/11	0/47**	

\*\* حجم نمونه: ۲۶۱،  $P < 0/01$

برای بررسی سهم هر یک از سبک‌های هویت در پیش‌بینی جستجوی معنا از تحلیل رگرسیون به شیوه سلسله‌مراتبی استفاده شد.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، سبک اطلاعاتی توانست در گام اول به مدل وارد شده و ۱۱ درصد از واریانس جستجوی معنا را تبیین کند. در گام دوم سبک سردرگم/اجتنابی به مدل



اضافه شد و واریانس تبیین شده را به ۱۴ درصد افزایش داد. شاخص F برای هر دو مدل به لحاظ آماری معنادار بود و نشان داد که در هر دو مدل میزان قابل توجهی از واریانس جستجوی معنا توسط متغیرهای درون مدل تبیین شده است. ضرایب استاندارد شده رگرسیون ( $\beta$ ) نشان وخامت جهت تغییرات همزمان متغیر ملاک در پی تغییر متغیر پیش‌بین را بازنمایی می‌کنند. در مدل ضریب بتای سبک اطلاعاتی ۰/۳۳ بود. در مدل دوم با ورود سبک سردرگم/اجتنابی ( $\beta = -۰/۱۷$ ) ضریب رگرسیونی سبک اطلاعاتی ۰/۳۱ بود. ضریب منفی سبک سردرگم/اجتنابی نشان‌دهنده این است که با افزایش نمرات سبک سردرگم/اجتنابی سطح نمرات جستجوی معنا کاهش می‌یابد، در حالی که تغییر نمرات سبک اطلاعاتی و جستجوی معنا در یک جهت است. خلاصه نتایج رگرسیون را می‌توان در جدول شماره (۳) مشاهده کرد.

جدول ۳: خلاصه نتایج رگرسیون پیش‌بینی جستجوی معنا بر اساس سبک‌های هویت

معناداری	t	$\beta$	F	$R^2$	R	پیش بین ها	گام ها
$P < ۰/۰۱$	۵/۵۲	۰/۳۳	۳۰/۴۹	**۰/۱۱	۰/۳۳	سبک اطلاعاتی	گام اول
$P < ۰/۰۱$	۵/۲۴	۰/۳۱	۲۰/۲۵	**۰/۱۴	۰/۳۷	سبک اطلاعاتی	گام دوم
$P < ۰/۰۱$	-۳/۰۱	-۰/۱۷				سبک سردرگم/اجتنابی	

برای پیش‌بینی حضور معنا در زندگی توسط سبک‌های هویت، روندی مشابه صورت گرفت (جدول شماره ۴). همانگونه که جدول نشان می‌دهد، سبک اطلاعاتی ( $R^2 = ۰/۱۶$ ) تغییر  $R^2$ ، سبک سردرگم/اجتنابی ( $R^2 = ۰/۰۵$ ) به ترتیب بهترین پیش‌بین‌ها بودند. ارزش F هر سه مدل را مورد تأیید قرار داد. ضرایب رگرسیون ( $\beta$ ) حضور معنا در مدل‌های سه گانه قابل مشاهده است. در مدل پایانی ضریب رگرسیون سبک اطلاعاتی، سردرگم/اجتنابی به ترتیب برابر با ۰/۳۷، ۰/۲۵- بود.

جدول ۴: خلاصه نتایج رگرسیون پیش‌بینی حضور معنا بر اساس سبک‌های هویت

معناداری	t	$\beta$	F	$R^2$	R	پیش بین ها	گام ها
$P < ۰/۰۱$	۷/۰۷	۰/۴۰	۴۹/۹۶	**۰/۱۶	۰/۴۰	سبک اطلاعاتی	گام اول
$P < ۰/۰۱$	۶/۷۹	۰/۳۸	۳۴/۸۶	**۰/۲۱	۰/۴۶	سبک اطلاعاتی	گام دوم
$P < ۰/۰۱$	-۴/۰۹	-۰/۲۳				سبک سردرگم/اجتنابی	
$P < ۰/۰۱$	۶/۷۷	۰/۳۷	۲۵/۵۳	**۰/۲۳	۰/۴۸	سبک اطلاعاتی	گام سوم
$P < ۰/۰۱$	-۴/۴۹	-۰/۲۵				سبک سردرگم/اجتنابی	
$P < ۰/۰۰۵$	۲/۳۷	۰/۱۳				سبک اطلاعاتی	

## بحث و نتیجه گیری

• هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی حضور و جستجوی معنای زندگی براساس سبک‌های هویت برزونسکی بود. در مقدمه دو سؤال مطرح شده بود، نتایج پژوهش در مورد سؤال اول، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی با حضور معنا رابطه مثبت و معنادار دارد که با پژوهش‌های بیومننت، (۲۰۰۹) بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲)، بهادری خرمشاهی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان ذکر کرد با توجه به اینکه افراد دارای سبک اطلاعاتی اهل ارزیابی و جستجوگری اطلاعات مربوط به خود می‌باشند لذا یک چارچوب مرجع درونی برای تفسیر تجربیات خود ایجاد کرده که این چارچوب منسجم نقش مهمی در درک حضور معنا در زندگی‌شان ایفا می‌کند. سبک هنجاری با حضور معنا رابطه معناداری نشان نداد، با توجه به اینکه این نتیجه برخلاف مطالعات گذشته مانند بیومننت (۲۰۰۹)، بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲)، بهادری خرمشاهی و همکاران (۱۳۹۱) است، در توجیه این یافته به‌نظر می‌رسد می‌توان عوامل روانسنجی را دخیل دانست، به‌طوری که یکی از مشکلات سؤالات سبک هنجاری در پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی پایین بودن پایایی آن و وابسته به فرهنگ بودن آن است به‌طوری که در فرهنگ‌های گوناگون به‌صورت‌های مختلفی می‌باشد و میزان پایایی آن نسبت به دیگر سبک‌ها کمتر می‌باشد (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). نتایج مربوط به سبک سردرگم نشان داد که با حضور معنا رابطه منفی دارد و با این وضعیت با پژوهش بیومننت (۲۰۰۹)، بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲)، خرمشاهی و همکاران (۱۳۹۱)، صالحی حیدر آباد (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، افراد دارای سبک سردرگم به‌دلیل فقدان تعریف منسجم و یکپارچه از خود از مشکلات روانشناختی رنج می‌برند. از نظر برزونسکی نیز (۲۰۰۳) این افراد چون ارزش‌ها و اهداف زندگی خود را مورد بررسی قرار ندادند احساس آشفتگی کرده و پراکندگی در وظایف و نقش‌ها را تجربه می‌کنند که همین عوامل می‌تواند در ادراک معناداری زندگی خدشه وارد کند.

• پیرامون نتایج مربوط به مسأله دوم پژوهش باید ذکر کرد که سبک اطلاعاتی با جستجوی معنا نیز رابطه مثبت داشت، که با پژوهش بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲) همسو بوده و با

پژوهش بیومننت (۲۰۰۹)، ناهمخوان می‌باشد. در تبیین این یافته لازم است به سبک جستجوگری افراد دارای سبک اطلاعاتی توجه شود. چرا که این سبک به آنها کمک می‌کند در عین اینکه چارچوب معناداری را برای تفسیر جهان پیرامون در خود ایجاد کنند همواره در پی معناهای جدید نیز و تجدید نظر در ساختارهای ذهنی و شناختی خود نیز باشند.

سبک هنجاری با جستجوی معنا رابطه معناداری نشان نداد که با پژوهش بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲) همخوان و با بیومننت (۲۰۰۹) ناهمخوان می‌باشد. در توجیه این یافته قابل ذکر است که این افراد بیشتر تحت تأثیر دیگران هستند و قالب‌ها و چارچوب‌هایی که دیگران القا می‌کنند می‌پذیرند به همین دلیل کمتر اهل جستجوگری می‌باشند. برزونسکی (۲۰۰۳) نیز تأکید می‌کند که افرادی که با سبک هنجاری شناخته می‌شوند نسبت به موضوعات هویتی و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نوايي با انتظارات و دستورهای افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. این افراد دارای ذهن بسته و انعطاف‌ناپذیر هستند و از روش‌های از پیش تعیین شده بهره می‌گیرند.

نتایج مربوط به رابطه سبک سردرگم و جستجوی معنا نشان داد که بین آنها رابطه منفی وجود دارد که با پژوهش بیومننت (۲۰۰۹)، بیومننت و اسکامل (۲۰۱۲)، همسو می‌باشد. این افراد به دلیل احساس آشفتگی که تجربه می‌کنند نه تنها تفسیری که از زندگی دارند را بصورت نامنظم و نامنسجم تجربه می‌کنند بلکه چون از نظر برزونسکی (۱۹۹۰) در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری بسیار اهل تعلل و درنگ هستند و در این موقعیت‌ها احساس ترس و اضطراب نیز دارند و معمولاً از راهبردهایی مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل‌تراشی استفاده می‌کنند (برزونسکی ۱۹۹۰) این راهبردها و این چارچوب تفسیری و ارجاعی بی‌نظم و آشفته برای ادراک دنیای پیرامون عاملی شده تا حضور معنای کمتری داشته و در حال جستجوی معنا باشند.

## محدودیت‌ها و پیشنهادات

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع همبستگی است، تبیین یافته‌ها در سطح علی را با محدودیت روش شناختی مواجه می‌کند. همچنین نمونه مطالعه حاضر از دانشجویان مشغول به

تحصیل در دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که تعمیم یافته‌ها را به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها امکان‌پذیر نمی‌کند. استفاده از متغیرهای دیگر روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده معنای زندگی همراه با سبک‌های هویت شاید بتواند تبیین‌های بهتری را فراهم کند. برای مثال ویژگی‌های شخصیتی مانند گشودگی به تجربه در پنج عامل بزرگ و نیز متغیرهای مرتبط با نظام اعتقادی و باورهای افراد، انتظار می‌رود در کنار سبک‌های هویت پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری باشد.

## پی‌نوشت‌ها:

1- meaning of life

2- identity styles

## منابع و مآخذ فارسی:

بهادری خسروشاهی، جعفر، محمودعلیلو، مجید. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های هویت و معنای زندگی. *مطالعات روانشناختی، دوره ۱، شماره ۱۶۴، ۹-۱۴۳*.

بیات، محمدرضا. (۱۳۹۰). *دین و معنای زندگی از نگاه فلسفه تحلیلی*. نشر: دانشگاه ادیان و مذاهب.

رحیمی نژاد، عباس؛ یزدانی ورزنده، محمدجواد؛ امانی، حبیب؛ فراهانی، حجت. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سنجشی نسخه چهارم پرسشنامه سبک‌های هویت. *مجله علوم روانشناختی، دوره نهم، شماره ۳۶، ۴۱۷-۴۰۶*.

صالحی، حیدرآباد. (۱۳۸۹). *نقش تحول اخلاقی و سبک‌های هویتی در پیش‌بینی معنای زندگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۴). *تأملی نقدگونه درباب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه فرانکل*. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۷، ص ۵۰-۲۹*.

Battista, J., & Almond, R. (1973). The development of meaning in life. *Psychiatry, 36*, 409-427.

Beaumont, S. L. (2009). Identity And Personal Wisdom :AnInformation-Oriented Identity Style Predicts Self-Actualization And Self-Trancendence: *An International Journal Of Theory And Research*.

- Beaumont, S. L., & Scammell, J. (2012). Patterns of spirituality and meaning in life related to identity. *Identity, 12* (4), 345-367.
- Berzonsky, M. D. (1990). Identity style and hypothesis-testing strategist. *Journal of social personality, 193*(6), 784-789.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity Style And Well-Being: Does Commitment Matter? *Identity; An International Journal Of Theory And Research, 3*(2), 131-142.
- Berzonsky M.D. (2008). Identity Formation: The Role of Identity Processing Style And Cognitive Processes. *Journal Of Personality And Individual Differences, 44*. 645-655.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Frankl, V. (1992). *Man's Search for Meaning*. (4th ed.). Boston, MA: Beacon Press.
- George, L. S. & Park. C. L. (2013). Are meaning and purpose distinct? An Examination of correlates predictors. *Journal of positive psychology, 5*:365- 375.
- Marcia, J. E. (1966). Development And Validation Of Ego Identity Status. *Journal of Personality Social Psychology, 3*; 551-558.
- MacDonald, D. A. (2009). Identity and spirituality: Conventional and transpersonal perspectives. *International Journal of Transpersonal Studies, 28*, 86-106.
- Philips, T M. & Pittman, J. F. (2007). Adolescent Psychological Well-Being By Identity Style. *Journal Of Personality And Social Psychology, 5*, 551-558..
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of counseling psychology, 53*(1), 80.
- Yalom, I. D. (1980). *Existential psychotherapy*. New York, NY: Basic Books.
- Young, M. E., Roach, L., & Hagedorn, W. B. (2009). *Assessment of spirituality and meaning in research and clinical settings*. American Counseling Association Charlotte NC.